

هربرت جرج ولز

بقلم « داوید ترلو »



یکی از نامیترین نویسندگان انگلستان اخیراً هفتاد و هفتمین سال تولد خود را جشن گرفت. این مرد هنوز بنویسندگی ادامه میدهد و مردم هنوز از او صحبت میکنند. پنجاه سال است که این شخص بنوشتن اشتغال دارد و کمتر نویسنده ای پیدا میشود که پس از ۵۰ سال نویسندگی این اندازه طراوت و گیرندگی در نوشتجاتش باقی مانده باشد.

« ه. ج. ولز » هفتاد و هفت سال دارد ولی مانند اوایل قرن که کتابهایش بواسطه صراحت و تازگی محتویات مورد توجه و علاقه مردم قرار میگرفت هنوز افکارش روشن و خیالاتش بدیع است. شخصیتی جذاب دارد و نه تنها مطالب بلکه طریقه بیانش نیز تعجب آور است، جسماً و روحاً مردی است بزرگ معیناً صدایش مانند صدای شاگردان دبستان نازک است. مثل اینست که از حیث صدا بحد بلوغ نرسیده و آهنگ صدای مرد بخورد نگرفته است. از بعضی جهات این صدا مشخص و معرف شخصیت اوست.

زیرا بسیاری از نوشتجات « ولز » نمونه جوانی و تازگی فکرات است و هیچگونه آثار ترس در آن دیده نشده شیطنت آمیز و پر از بهجت و سرور است. در موقع مصاحبت با او یا خواندن آثارش این نکته آشکار است که ابداً اهمیت نمیدهد شما راجع با او یا درباره نوشتجاتش چه فکر میکنید. کاملاً اطمینان دارد که آنچه فکر میکند صحیح است و بنا بر این اعتنائی بعقیده دیگران ندارد. این ایمان و اطمینان قابل ستایش است و افکار و عقایدش مسلماً شخص را قهیب میفراید.

عقیده « برنارد شو » درباره « ولز » قابل توجه است زیرا این دو مرد شاید مشهور ترین نویسندگان معاصر انگلستان باشند و در هر حال از حیث مقدار نوشتجات منشور و دلپذیر از سایر نویسندگان جلوتر هستند. « برنارد شو » میگوید « ولز یک مرد عادی قرن ۱۹ است که هر طوری میخواهد فکر میکند و هر چه میخواهد مینویسد و در عین حال همیشه هر دو را هم فوق العاده خوب انجام میدهد ».

البته در تنقیح عبارت فوق نباید از نظر دور داشت که « برنارد شو » در این اظهار عشق معروفی را هم که بشوخی دارد درباره رقیب خود بکار برده است. در ضمن « ولز » هم بواسطه انتشار بعضی عقاید و افکار عجیبی که دارد حملات سخت مردم را برای جان خود میخورد. علاقه این مرد بیحد علنی قسمتی از عقاید خویش، که ناگزیر در نظر توده ناپسند واقع خواهد شد، خود دلیلی است بر شهامت اخلاقی وی.

بعضیها گفته اند که « ولز » از نود در صد چیزهایی که نزد هم میهنانش گرامی است نفرت دارد. جواب این ایراد در تواریخ ما موجود و شرح حال مردان بزرگی که هرگز از نظر معاصرین خود ناظر قضایا نبوده اند در آن فراوان است.

اینک باید نظری بانار « ولز » افکنده او را از نوشته ها و آثارش قضاوت کنیم. شاید بعضی از کتابهای او را تاکنون مطالعه کرده و با سبک فکر او آشنا شده باشید. « هربرت جورج

ولز، فرزند یکی از کریکت بازان مشهور بود و ۲۱ سپتامبر ۱۸۶۲ در «براملی» (کنت) در حومه شهر لندن بدنیا آمد. تحصیلات ابتدائی خود را در یکی از دبستانهای ملی «براملی» پایان رسانید. سپس بدبیرستان و بعد بدانشکده پادشاهی علوم داخل شد. هنوز ۲۹ سال از عمر او نگذشته بود که در عرض یک سال چهار کتاب منتشر کرده با انتشار آن همه را مبهوت ساخت. این کتابها عبارت بود از «گلچین مکالمات»، «ماشین زمان»، «باسیلوس سرفت شده»، و «ملاقات شکفت» و چند افسانه دیگر. کتاب «ماشین زمان» از آثار هیجان آور علمی آثرمان بشمار آمد و «ولز» را نویسنده ای دارای افکار غیرعادی معرفی نموده نشان داد که چگونه در جلب و تسخیر قوه تصور خوانندگان خود مهارت دارد. داستانها و افسانههای اولیه او از حیث طراوت افکار و شیرینی موضوع مشهور و زبانزد خاص و عام بوده حاکی از کمال دقت و حدت نظر نویسنده است و مهارت وی در اصول فن افسانه نویسی حالتی باین کتب بخشیده که خواندنش هرجب انبساط خاطر است. شاید کتاب «تاریخچه مستریلی» از برجسته ترین آثار نخستین این نویسنده فوق العاده زحمت کش باشد. یکی از طرفداران جدی «ولز» یکوقتی گفته که همین یک کتاب بمجموع آثار «آرنولد بنت» و «جان گالزورنی» و «هیووالپول» میارزد.

بعلاوه کتاب «کشور کوران» و کتاب «شخص نامرئی» و «کیپی» و بعد کتاب فراموش نشدنی «تئوپونگی» را هم نوشته است. کتاب دلپذیر دیگری دارد که در سن سی و چهار سالگی برشته تحریر در آورده موسوم به «عشق و مسترلوشام» که میگویند متضمن بسیاری از تجربیات و مشاهدات ایام جوانی خود نویسنده است. آثار «ولز» از حیث کثرت و تنوع بحدی است که تقریباً باور نکردنی است. با اینکه «ولز» بعدها بعنوان مورخ و متخصص آموزش و پرورش شهرت پیدا کرد معذات افسانههای عاشقانه ای که در اوایل جوانی نوشته است از بهترین رمانهای زبان انگلیسی محسوب میشود.

مهمترین قسمت آثار «ولز» در رشته تاریخ و سیاست است که بعد از جنگ جهانی گذشته بنوشتن آنها دست زد و بظلفه و آموزش و پرورش توجه کرد.

از آثار جاویدان او کتاب «فطری بتاریخ جهان» است که در ۱۹۲۰ منتشر شد. «ولز» درباره این اثر خود میگوید «این کتاب بمنظور اصلاح طرز تدریس تاریخ نگاشته شده و کوشش رفته که توجه خواننده در عوض فرا گرفتن نوارنخی که از دریچه تنگ هلیت تهیه شده است ببررسی تاریخ عمومی بشر معطوف گردد». بدیهی است تنها شخصی که بخود اطمینان کامل داشته صاحب علم و معرفت وسیعی باشد جرأت دست بردن بچنین کار سترگی خواهد داشت. این کتاب را در ضمن تألیفات دیگری مانند «روسیه در تاریکی»، «نجات تمدن»، «دریچهای مرموز قلب»، «تاریخ مختصر جهان»، «کار و ثروت و سعادت بشر»، «جهان آینده»، «برهنه‌یلد» و بسیاری کتب دیگر بانجام رسانید.

برومندی فکر این نویسنده تمامی ناپذیر بنظر میآید و از زمانی که وارد هفتادمین سال عمر خود گشته برای مقالاتیکه در روزنامهها منتشر میسازد بالاترین مبلغی را که در جریده نگاری انگلستان وجود داشته دریافت میدارد. معینا خود او خود را نویسنده ای پرکار و معمولی میدانند که دارای فراست مخصوصی راجع بآینده است.

«ولز» هنوز هم دارای قلبی جوان است و با تمام عقاید مخصوص و اطلاعات عمیقی که دارد شخصی است بشاش و بانشاط و بسیار دوست داشتنی. در مسائل دینی و سیاسی، در مسائل زناشویی و اجتماعی و در مسائل اقتصادی و تربیتی چنان با مهارت و ایمان اظهار نظر میکند که توجه همه را جلب مینماید کمتر کسی هست که صحبتهايش در سر میز شام بیش از صحبتهای «ولز» خوش آیند و مهیج باشد. بر خورد «ولز» با اشخاص طوری نیست که کسی را مرعوب نماید و بسیاری از روزنامه نویسان جوان که باترس و لرز از مرتبه بلندش بملاقات او رفته اند نه تنها با اطلاعات زیادی برگشته بلکه صمیمانه مجذوب محبت و مهربانی این نویسنده بزرگ نیز شده اند.

ولز با گونه های سرخ و پایون قشنگ و موی کوتاه خود شخصی با نشاط و شاداب است. تبسمش نور ملکوتی دارد و شخص هیچگاه از مصاحبت او خسته نمیشود.